

از مرگ تا بازآفرینی مدرسه

بخش سوم و پایانی

سید جواد حسینی

نتایج کنکور در سالهای گذشته نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد رتبه‌های سه رقمی از طبقات بالای جامعه و فارغ‌التحصیل مدارس خواص‌اند، آخرین نتایج آزمون پرلز که در سال ۲۰۲۱ میلادی برگزار شد، طبقاتی بودن آموزش ایران را به خوبی نشان داد.

به گونه‌ای که فاصله نمره طبقات بالا با پایین ۱۱۲ نمره است، حال آنکه میانگین جهانی آن ۸۶ نمره می‌باشد. سهم دولت‌ها از هزینه‌های آموزش روند نزولی دارد.

به گونه‌ای که در زمان جنگ و دفاع مقدس سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی تا ۱۹ درصد رشد یافت و پس از آن، این روند تا تکریمی شدن نزول یافت و اکنون میزان مصرف فرهنگی در گروه‌های بالا ۱۴ برابر طبقات پایین می‌باشد. ۷- همچنین در سند تحول بنیادین مدرسه ما و با کیفیت مدرسه صالح نامیده می‌شود و برای مدرسه صالح ویژگی‌هایی برمی‌شمارد. مدرسه صالح مدرسه‌ای است که تجلی‌بخش فرهنگ غنی اسلامی برای دانش‌آموزان در روابط و مناسبات با خالق، خود، خلق و خلقت است. ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی، کشف و هدایت استعدادها را دارا می‌باشد. برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی در چارچوب سیاست‌های ملی محلی و منطقه‌ای را دارا باشد. نقطه اتکای دولت و ملت در رشد تعالی پیشرفت کشور باشد. نقش‌آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلایی مسوولانه و اختیاری فرآیند زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان گردد. این‌چنین مدرسه کمال‌جو، یادگیرنده، خواستار تعالی و مستمر فرصت‌های زندگی خواهد بود. خود ارزیابی، مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی از ویژگی‌های چنین مدرسه‌ای است. این مدرسه تامین‌کننده محیط اخلاقی و علمی امن، سالم، بانشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی است، نقدپذیر و مشارکت‌جو، معلمانش برخوردار از فضایل اخلاقی و شایستگی‌های حرفه‌ای‌اند، اتکای مدرسه به اخلاق و اصول فلسفه تعلیم و تربیت خواهد بود و بهره‌مند از مشارکت ذی‌نفعان با تاکید بر خصوصاً مشارکت معلمان، اولیا و دانش‌آموزان، دارای اختیار و ظرفیت تصمیم‌سازی برای نظام تربیت رسمی و عمومی و

نیز بهره‌مند از فناوری‌های نوین و هوشمند و این مدرسه در پیوند موثر با مسائل و موضوعات جامعه در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و ملی خواهد بود و از تعامل اثربخش با نهادهای دینی و اجتماعی و ارتباط موثر با صاحب‌نظران و عالمان و متخصصان دینی و علمی بهره‌مند خواهد بود. این خصوصیات اگر در نظام مدرسه جاری و ساری باشد فضای مدرسه، قدرت تجدید حیات شون‌دگی و تبدیل شدن به سازمان یادگیرنده را خواهد داشت، در غیر این صورت سازمان مدرسه در مسیر مرگ قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد مدارس ما از این اهداف و آرمان‌ها دور مانده و غربت این اهداف و کارکردها در مدرسه به شدت احساس می‌شود. مدارس ما که کارکردهای خود را قادرند محقق سازند، مدارس ما و مدارس ما که در تحقق کارکردهای‌شان ناتوانند را مدارس ما می‌نامیم، با توجه به این نامگذاری به عنوان ماحصل کلام مدرسه ما را مدرسه یادگیرنده تجدید حیات شونده، کیفی‌نگر، برنامه‌ریز، مشارکت‌جو و مشارکت‌پذیر، دارای قدرت اختیار و انتخاب تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، تحول‌خواه و نوآور، سیاست‌ورز، دارای نگاه فرآیندی و طولانی و پروسه‌ای بلندمدت، کنش‌آموز و مهارتی، شاداب و منسجم با رویکرد تحقیق اکتشافی و فراگیر امیدبخش، دارای فرصت‌های متنوع یادگیری و دارای خودارزیابی، پاسخگو و شفاف توصیف می‌کنیم و مدرسه ما بدون مدرسه کمی و سطحی‌نگر، شتابزده، قالبی، دارای نگاه پروژه‌ای، بدون رویا و ناامید، مقلد و نه محقق نخبه‌گرا و نه فراگیر، مکانی برای تجمع و نگهداری دانش‌آموزان نه یارنده‌ی یادگیری، مدرسه‌ای کارخانه‌ای، فرمال و یکسان‌نگر نه دارای قدرت خلق فرصت‌های متنوع یادگیری و پرورش‌دهنده تفاوت‌های فردی، متصلب و متمرکز نه مشارکتی و مفارقتی، پرورش‌دهنده سوژه مقاومت به جای میل به مشارکت، بدون اختیار و انتخاب و ناتوان از تصمیم‌گیری با فضای غیرمتحرک و نوآورانه و سیاست‌زده و دارای نگاه پروژه‌ای و کوتاه‌مدت، تلساحتی و مکانیکی با قطع ارتباط با دنیای بیرون کسل و بی‌انگیزه، مدرسه سبقت‌جویانه و رقابتی با تضادهای انباشته اجتماعی و نابرابری‌های نهادینه شده و به دور از قدرت آفرینندگی و خلاقیت، مدرسه‌ای که در آن تفاوت‌های فردی فرصت ظهور نمی‌یابند. روحیه مچ‌گیری به جای دستگیری در آن غالب می‌شود به جای توجه و تمرکز بر EQ بر AQ تاکید می‌شود و قدرت نگهدارندگی و حافظه‌محوری بر قدرت پردازشگری و تحلیل چیرگی می‌یابد، دروسی با نگاه املانویسی بر دروس مبتنی بر نشانویسی غالب می‌گردد، در چنین وضعیتی است که از مرگ مدرسه می‌توان سخن به میان آورد. معالاسف مدارس کنونی ما از چنین وضعیتی رنج می‌برند و سه بحران کیفیت، مشروعیت و عدالت محصول چنین وضعیتی است که دامان تعلیم و تربیت امروز ایران را گرفته است و اکنون

بیش از آنکه نگران يك ميليون دانش‌آموز بازمانده از تحصیل باشیم یا ۱۸ میلیون دانش‌آموز که دوره تحصیلات عمومي را تکمیل نکرده و ۱۷ درصد دانش‌آموزاني که در سالهاي اخير ترك تحصیل نموده‌اند، نگران‌مان کند که البته مي‌کند اما بیشتر، نگران بازماندگان و تحصیل‌کردگان درون مدرسه‌اي هستیم که گرچه در مدرسه‌اند اما از کیفیت مطلوب ياددهي-يادگيري بي‌بهره‌اند و در حقیقت بازمانده از تحصیل، اکنون وقتي از بازماندگان از تحصیل صحبت مي‌کنیم یاد این شعر مي‌افتیم که: مرکز افتاد برون بس که شد این دایره تنگ

□□□□□□ □□ □□ 19 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ :□□□□